



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: میراث المجوس.

دیروز یک نوشته ای به بنده دادند در این مورد که ما در بحثهایمان هر موقع به فرق باطله و امثال آنها می‌رسیم به اندازه ای که وقت ما اجازه دهد توضیحاتی را مطرح می‌کنیم مانند بحثهایی که در مورد صوفیه داشتیم و حالا خواسته اند که مقداری اطلاعات در مورد مجوس داشته باشیم.

چند مسئله در اینجا مطرح است؛ اول مسئله زرتشت و دوم مسئله مجوس و سوم تفاوت اینها باهم که امروز به صورت فهرست عرض می‌کنیم و اگر لازم شد بعداً بیشتر توضیح خواهیم داد.

در جلد ۱۰ بحار طبع جدید صفحه ۱۷۹ و صفحه ۳۱۰ ذکر شده که: ﴿قال: أفزردشت؟ قال: إن زردشت أتاهم بزمنة، وادعى النبوة فآمن منهم قوم وجمده قوم، فأخرجوه فأكلته السباع في بربة من الارض﴾^۱.

در سفینه البحار و در مستدرک سفینه البحار در ماده "مجس" اینطور بیان شده: «مجس: خرافات المجوس في كيومرث و انه أول متكوّن من البشر عندهم و لقبه (كوهشاه) أي ملك الجبل و منهم من يسمّيه (گلشاه) أي ملك الطين لأنه لم يكن حينئذ بشر يملكهم.

مقاله المجوس في أنّ كلّما كان في هذا العالم من الخيرات فهو من يزدان و كلّما فيه من الشرور فهو من اهرمن و هو المسمّى بابليس في شرعنا، و عن ابن عباس انه نزل فيهم قوله تعالى: "وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَ بَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبحانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ"^۲»^۳.

^۱ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰، ص ۱۷۹، حدیث ۴، ط دار الإحياء التراث.

^۲ سوره انعام، آیه ۱۰۰.

^۳ سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، ج ۸، ص ۲۷.

^۴ سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، ج ۸، ص ۲۸.

^۵ سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، ج ۸، ص ۲۸.

ابن ابی الحدید در شرح نوح البلاغه (جلد ۳ صفحه ۲۱۵ و جلد ۵ صفحه ۶) مطالبی در مورد مجوس دارد که حاج شیخ عباس قمی در تتمه کلامش در سفینه البحار به آن اشاره می‌کند: «کلام ابن ابی الحدید في عقيدة المجوس: النبوي صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلم: القدرية مجوس أمّتي؛ و كلمات العلماء في وجه تشبيه القدرية بالمجوس.»^۴ حاج شیخ عباس قمی در ادامه مطالبی را در مورد پیامبر مجوس ذکر می‌کند به این بیان که: «ذكر نبيّ المجوس: باب فيه ذكر نبيّ المجوس.

أمالى الصدوق: عن ابن نباتة قال: قال عليّ عليه السلام على المنبر: سلوني قبل أن تفقدوني، فقام إليه الأشعث بن قيس فقال: يا أمير المؤمنين كيف تؤخذ من المجوس الجزية و لم ينزل عليهم كتاب و لم يبعث اليهم نبيّ؟ فقال: بلى يا أشعث قد أنزل الله عليهم كتابا و بعث اليهم نبيّا و كان لهم ملك سكر ذات ليلة فدعا بابتته الى فراشه فارتكبتها فلما أصبح تسامع به قومه فاجتمعوا الى بابه فقالوا: أيها الملك دتست علينا ديننا فأهلكته فأخرج نظهرك نقم عليك الحدّ، فقال لهم: اجتمعوا و اسمعوا كلامي فإن يكن لي مخرج ممّا ارتكبت و الآ فشانكم، فاجتمعوا فقال لهم: هل علمتم أنّ الله (عزّ و جلّ) لم يخلق خلقا أكرم عليه من أيّنا آدم و أمنا حواء؟ قالوا: صدقت أيها الملك، قال: أليس قد زوج بنيه بناته و بناته من بنيه؟ قالوا: صدقت هذا هو الدّين، فتعاقدوا على ذلك فمحا الله ما في صدورهم من العلم و رفع عنهم الكتاب فهم الكفرة يدخلون النار بغير حساب و المنافقون أشدّ حالا منهم، فقال الأشعث: و الله ما سمعت بمثل هذا الجواب و الله لا عدت الى مثلها أبدا.»^۵

مسئله تکثیر نسل آدم خودش یک بحثی می‌باشد، علامه طباطبائی اعلى الله مقامه در تفسیر المیزان این بحث را مفصلا مطرح کرده و همچنین در جلد اول شرح خوئی بر نوح البلاغه این بحث مطرح شده و ایشان از روایات

قصص الأنبياء: سئل أمير المؤمنين عليه السلام عن المجوس أيّ أحكام تجري فيهم؟ قال: هم أهل الكتاب كان لهم ملك سكر يوماً فوقع على أخته و أمه فلما أفاق ندم و شقّ ذلك عليه فقال للناس: هذا حلال فامتنعوا عليه فجعل يقتلهم و حفر لهم الأخدود و يلقبهم فيها. النهي عن مواكلة المجوس.

بعض مطاعن المجوس.

وفود عظماء مجوس علی مریم علیها السلام حین وضعت عیسی علیه السلام، و قد تقدّمت الإشارة إليه في "لبن". خبر المجوسي الذي أحسن الى امرأة علوية بلخية و بناتها فأحسن الله تعالى عاقبته ببركاتهما و قد أشير إليه في "علا". مناظرة مجوسي مع ابن المبارك لما عرض عليه الايمان.^۶

امام سجاد علیه السلام می فرماید وقتی از مکه به طرف کربلاء حرکت کردم هیچ منزلی نبود إلا اینکه پدر من سید الشهداء علیه السلام می فرمودند از پستی دنیا این است که سر یحیی را برای پادشاهی از مجوس هدیه بردند، آن پادشاه می خواسته با دخترش یا دختر زنش ازدواج کند که ما حرام می دانیم، ولی افرادی گفتند حرام است و او پرسیده چرا حرام است؟ گفتند چون پیامبر خدا می گوید حرام است و بعد آن پادشاه همان شب فرستاد آن پیغمبر را کشتند و سرش را برای آن شخصی که امتناع می کرد فرستاد و آن شخص حاضر شد با پادشاه ازدواج کند.

آیت الله نمازی شاهرودی مستدرکی بر سفینه البحار نوشته که کتاب بسیار خوبی می باشد و در جلد ۹ از مستدرک مفصلاً درباره مجوس بحث کرده.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالى ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

استفاده می کند که خداوند متعال همان طور که برای آدم حواء را خلق کرد برای فرزندان آدم نیز از خاک زوجی خلق کرد بر خلاف علامه طباطبائی که بحثی دارد و فرموده آیا ازدواج خواهر و برادر قبیح ذاتی دارد یا قبیح اجتماعی؟ و بعد ایشان می فرماید گمان نمی کنیم که این قبیح ذاتی داشته باشد و شاهد بر این مطلب فطرت انسان می باشد خلاصه ایشان می خواهد ثابت کند که این قبیح ذاتی ندارد بنابراین تزویج فرزندان آدم اشکالی نداشته، صاحب جواهر نیز در بحث وطی به شبهه این بحث را پیش کشیده و فرموده این ذاتاً بسیار قبیح است و به اندازه ای قبیح دارد که حتی حیوانات نیز این کار را نمی کنند.

حاج شیخ عباس قمی در ادامه کلامش در مورد مجوس اینطور می فرماید: «في أنّ المجوس كان لهم نبيّ فقتلوه و کتاب أحرقوه . الكافي : عن بعض أصحابنا قال : سئل أبو عبد الله عليه السلام عن المجوس أكان لهم نبيّ؟ فقال: نعم، أما بلغك كتاب رسول الله صَلَّى الله عليه و آله و سلّم الى أهل مكّة أن أسلموا و إلا نأبذتكم بحرب، فكتبوا الى النبيّ صَلَّى الله عليه و آله و سلّم أن خذ منا الجزية و دعنا على عبادة الأوثان، فكتب اليهم النبيّ صَلَّى الله عليه و آله و سلّم: انّي لست آخذ الجزية إلا من أهل الكتاب، فكتبوا إليه يريدون بذلك تكذيبه: زعمت أنّك لا تأخذ الجزية إلا من أهل الكتاب ثمّ أخذت الجزية من مجوس هجر، فكتب اليهم النبيّ صَلَّى الله عليه و آله و سلّم: إنّ المجوس كان لهم نبيّ فقتلوه و کتاب أحرقوه أناهم نبيّهم بكتابتهم في اثني عشر ألف جلد ثور.

ذمّ المجوس و بيان أنّ العرب في الجاهليّة كانت أقرب الى الدين الحنيفي من المجوس :

من لا يحضره الفقيه: المجوس تؤخذ منهم الجزية لأنّ النبيّ صَلَّى الله عليه و آله و سلّم قال : سنّوا بهم سنّة أهل الكتاب و كان لهم نبيّ فقتلوه و کتاب يقال له جاماست كان يقع في اثني عشر ألف جلد ثور فحرقوه.

^۶ سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، ج ۸، ص ۲۹.